



فعالان سیاسی و اقتصادی در گفت وگو با «ایران» از اقدام دولت برای کاهش هزینه ها در لایحه بودجه استقبال کردند

اعتمادسازی با صرفه جویی هزینه های دولتی

سید حمید پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه سه اولویت لایحه بودجه را حمایت از معیشت مردم، تزریق منابع به پروژه های عمرانی مولد و اصلاحات ساختاری برای افزایش شفافیت و حذف هزینه های زائد دانست
محمد حسین رحمتی معاون سازمان برنامه و بودجه در پاسخ به «ایران»: «اثر افزایش مالیات بر ارزش افزوده بر نرخ تورم حداکثر ۰٫۲ درصد است | **فاطمه مهاجرانی**: لایحه بودجه بر پایه واقع گرایی، انضباط مالی و اولویت دادن به زندگی مردم تنظیم شده است



پزشکیان میهمان خانواده شهید ارمنی

رئیس جمهوری با تبریک سال نو میلادی حضور و فداکاری شهدای مسیحی در دفاع مقدس را جلوه ای روشن از وحدت ملی دانست

عکس: President.ir

یادداشت یک

برابری های کارآمد ساز

**احمد میردی**
وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

کاهش پدیده ای کند که صدای گروه های کم درآمد به سیاستمداران منتقل نمی شود.
دوم: وقتی که مدارس فرزندان سیاستمداران از مدارس دولتی جدا می شود، نتیجه این تفکیک، کاهش طنین صدای مدارس دولتی در عرصه سیاست گذاری است.
سوم: پیامد مستقیم این تفکیک، کاهش بودجه های مدارس دولتی است. مدارس دولتی که در دهه ۷۰ و ۶۰ شمسی حدود ۱۷ درصد بودجه عمومی را تشکیل می دادند، سیر کاملاً نزولی را طی کرده و در برخی سال ها سهم آنها از بودجه عمومی رئیس جمهوری به عدالت آموزشی ا توضیح دهم. همه رؤسای جمهوری در ایران، خواهان ساخت مدرسه بوده اند؛ اینکه مدارس صحرایی جمع شود و فرزندان ایران در کانکس درس نخوانند و در این راستا تلاش هایی شده و حتماً نیز دستاوردهایی داشته اند. اما تفاوت رویکرد دولت چهاردهم در حوزه عدالت آموزشی با سایر دولت ها، صرفاً تأکید دوباره برای این موضوع درست و انسانی نبوده است. بلکه ما می توانیم سیاست های دولت های پیشین را در حوزه آموزش پیرویش به دو چهارچوب متفاوت تقسیم کنیم.

یک گروه: سیاستمدارانی بوده و هستند که نابرابری را به عنوان امری اجتناب ناپذیر می پذیرند و از طرفی دیگر باور دارند این نابرابری، این امکان را می دهد که به مدارس دولتی رسیدگی بیشتری کنیم. این دیدگاه که در پایان دهه ۱۳۴۰ در ایران مطرح و به آموزه اصلی سیاست گذاری بدل شد، این بود که گروه های ثروتمند را جدا کنیم تا بودجه آموزش و پرورش به اقبال کم برخوردار پسر و مادر سواد پایین تری دارند، دوم اینکه در منازل آنان کتاب درسی وجود ندارد و در مدارس هم کتابخانه وجود ندارد.

در این شرایط، مهم ترهملکه تر از همه این مسأله است که نظام آموزشی برای بچه هایی طراحی می شود که توانایی به کارگرفتن معلم کمکی را نداشته باشند و بتوانند در مدارس غیرانتفاعی روزی ۸ ساعت درس بخوانند و پدر و مادر دارای تحصیلات باشند. نتیجه این نظام آموزشی، پرورش نخبگانی است که در المپیادهای جهانی می درخشند، اما نمرات «آزمون تیمز و پرلز» در سطح ملی از کاهش سطح سواد عمومی حکایت دارد. در ایران هم نشان داده شده است که در المپیادهای درخشان هستیم، اما نمرات سواد عمومی که صرفاً از سوی مؤسساتی نظیر پرلز و تیمز ارزیابی می شود، پایین آمده است.

امروز دولت چهاردهم به دنبال تغییر در این چرخه است. ما بر این اعتقاد هستیم که نابرابری در نظام آموزشی، سیستم آموزشی را ناکارآمد ساخته و باید بتوانیم بر این مشکل فائق آییم.
*** متن پیراسته سخنرانی در اولین رویداد «راهبردی عدالت در کیفیت آموزشی» ، برگزار شده در معاونت راهبردی ریاست جمهوری؛ ۱۴۰۴ آذر ۱۴**

معاون اول رئیس جمهور:

ایران می تواند مرکز مبادلات انرژی منطقه ای باشد

روز گذشته دومین جلسه ستاد راهبردی تجارت انرژی منطقه ای به ریاست معاون اول رئیس جمهور برگزار شد. در این نشست سیاست ها، برنامه ها و اقدامات اجرایی برای تبدیل ایران به مرکز مبادلات انرژی منطقه ای مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.
به گزارش ایرنا، محمدرضا عارف در این جلسه با تأکید بر رویکرد سیاست خارجی همسایگی جمهوری اسلامی ایران و گسترش روابط و همکاری ها با کشورهای منطقه، نقش فعال ایران در پیمان ها و اتحادیه های مهم منطقه ای را از اولویت های دولت چهاردهم برشمرد و تصریح کرد که «توسعه تجارت انرژی با کشورهای همسایه و بویژه اعضای اتحادیه اوراسیای می تواند جایگاه ایران را به عنوان مرکز مبادلات انرژی منطقه ای تثبیت کند».
به گفته وی، «بهره گیری هدفمند از ظرفیت های موجود در حوزه انرژی، نه تنها منافع اقتصادی کشور را افزایش می دهد، بلکه موجب تقویت پیوندهای راهبردی ایران با کشورهای منطقه خواهد شد».
در این جلسه اجرای مفاد و اهداف برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت به عنوان چهارچوب اصلی سیاست گذاری مورد توجه قرار گرفت. برنامه ای که تبدیل جمهوری اسلامی ایران به یکی از مراکز مبادلات انرژی منطقه ای را به عنوان هدفی راهبردی دنبال می کند. با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در منطقه و ضرورت استفاده مؤثر از این موقعیت، طرح ها و برنامه های متعددی برای افزایش و ارتقای همکاری های انرژی با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا و سایر کشورهای منطقه بررسی شد. تصمیم گیری درباره اقدامات عملی، هماهنگی دستگاه های ذی ربط و استفاده از ظرفیت های ترانزیتی و زیرساختی کشور از محورهای اصلی این نشست بود. محورهایی که می تواند ایران را به بازیگری اثرگذار در تجارت انرژی منطقه تبدیل کند.

معاون اول رئیس جمهور:

ایران می تواند مرکز مبادلات انرژی منطقه ای باشد

آگهی مزایده شماره ۱۴۰۴/۲۱۴/ه. ف.
یک سازمان دولتی
در نظر دارد املاک خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.
شرح در صفحه ۷

**محسن اسماعیلی**
معاون راهبردی
و امور مجلس رئیس جمهور

درس هایی از سیاست و حقوق در مکتب علامه نائینی (۸)

اعتراض به پیامبر(ص)!! در اثر تحلیل های غلط و احساسی

جمع آوری کتاب «تنبيه الآفة و تَنْزِيه المِلَّة» در اثر سرخوردگی و دلسردی کسی مانند علامه محمدحسین نائینی از نتایج قیام مشروطه طلبی، معقول ترین احتمالی است که در صورت صحت این خبر مشهور قابل قبول به نظر می رسد. اظهار تأسف او از اینکه با این قیام «انگور انداختیم که سرکه شود، اما شراب شد!» و اینکه گفته اند او پس از آن وقایع، «نه تنها از فعالیت های مشروطه خواهی کناره جست بلکه دیگر حتی نام مشروطه را به زبان نیاورد و به هیچ گفت وگویی که مربوط به مشروطه بود نیز گوش نداد، نشانه های قوت این احتمال است.

البته این احساس شکست و ندامت، پیش و بیش از خواص، در عموم مردم رواج پیدا کرده و موجب رفتارهای تحکم آمیز و نامناسب آنان با رهبران آن جنبش، از جمله نائینی هم شده بود. اشاره شهید مطهری به همین واقعیت است که می گوید «جو عوام زده محیط ما کاری کرد که آن مرحوم پس از نشر آن کتاب، یک باره مهر سگوت بر لب زد و دم فرو بست».

به هر حال، این نیز خود درس بزرگی است که باید از سرنوشت نائینی و کتابش آموخت. باید باور کرد که پدیده های اجتماعی از قواعد خاص خود پیروی می کنند و همیشه و همه جا تابع خواست و اراده ما نیستند. رهبران حرکت های اجتماعی و سیاسی قطعاً باید آرمان های بلند خود را داشته باشند و آن را به بدنه پیروان خویش نیز منتقل کنند، اما هرگز نباید چشم بر واقعیت ها ببوشند یا چشمان تابعان خویش را بر آنان بسته نگه دارند. در غیر این صورت با هر توقف یا حتی با هر تأخیری در مسیر تحقق اهداف آرمانی، عده ای دچار ریش می شوند.

تاریخ نشان داده است که پس از هر شکست و ناکامی در حرکت های جمعی، موجی از تردید و تحلیل های غلط در جامعه به راه می افتد؛ حتی اگر رهبری جامعه به دست پیامبر(ص) و امام معصوم(ع) باشد. به عنوان مثال جنگ اُخْد را در نظر بگیرید که به دلیل خلف و دنیا طلبی گروهی اندک، پس از پیروزی های درخشان، برای اولین بار مسلمانان طعم شکستی سنگین را چشیدند. اتفاقاً همان متخلفان و مسببان ناکامی میان مردم چرخیدند و گفتند که «اگر به حرف ما گوش کرده بودید، این همه شهید نمی دادیم و به این ترتیب سایه تردید و پشیمانی را در میان مردم گسترانند».

خدای متعال با اشاره به همین حادثه می فرماید: «ای اهل ایمان! مانند کسانی نباشید که کفر ورزیدند و درباره برادران شان هنگامی که آنان به سفر مُرْتَد رفتند [و در سفر مُرْتَد رفتند] یا جداگر بودند [و شهید شدند]، گفتند: اگر نزد ما مانده بودند نمی مُردند و شهید نمی شدند. [شما به کافران اعتنا نکنید] تا خدا این [اعتقاد و گفتار] را حسرتی در دل هایشان قرار دهد. و خداست که زنده می کند و می میراند؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست.» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۶) سپس در ادامه فرموده است: «هرگز گمان میرانان که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.» (همان، آیه ۱۶۹).

نمونه دیگر اعتراض و ریزش برخی مسلمانان در جریان صلح خذیبیه بود. در سال ششم هجری پیامبر(ص) به همراه تعداد کثیری از مسلمانان برای زیارت خانه خدا و به قصد غمره از مدینه بیرون آمدند، اما در منطقه خذیبیه که نزدیک مکه بود با ممانعت مشرکان مواجه شدند. مسلمانان که در پی پیروزی های پی در پی، احساس اقتدار می کردند با شور و هیجانی وصف ناپذیر آماده نبرد و فتح مکه شدند. اما برخلاف انتظار آنان، رسول خدا(ص) با در

نظر گرفتن مصالح عمومی و واقعیت های خارجی صلح را ترجیح دادند، آن هم با شرایطی که از نظر انقلابیون مسلمان عقب نشینی و شکستی فاحش به شمار می رفت و همین، زمینه ساز بروز ناامیدی و اعتراض شد.
در آن سال، پیامبر(ص) در یک رویای الهی و رحمانی دیده بود که با یارانش وارد مسجد الحرام می شوند و به دنبال آن به عزم زیارت خانه خدا حرکت کرد. غالب اصحاب فکر می کردند تعبیر این خواب در همین سفر واقع می شود، در حالی که مقدر چیز دیگری بود.

بر پایه همین تصور، مسلمانان مُحرم شده و حتی حیوانات قربانی برای حج را نیز با خود آورده بودند، اما برخلاف انتظارشان توفیق زیارت خانه خدا نصیب آنان نشد و به دلیل پیمان صلحی که بسته شد، پیامبر(ص) دستور داد در همان خذیبیه شتران قربانی را نحر کنند و از احرام بیرون آیند؛ کاری که برای آنان بسیار سخت و باور نکردنی بود، چرا که آب و سنن آنان و نیز دستورات اسلام ایجاب می کرد تا وقتی مناسک عمره را انجام ندادند از احرام بیرون نیایند.

از سوی دیگر، در مواد صلحنامه خذیبیه مطالبی بود که پذیرش آن را بسیار سنگین می نمود، از جمله اینکه اگر کسی از قریش مسلمان شود و به مدینه پناه آورد، مسلمانان باید او را به خانواده اش تحویل دهند، اما عکس این رفتار لازم نیست! همچنین به هنگام تنظیم صلحنامه، قریش حاضر نشدند کلمه «رسول الله» کنار نام حضرت محمد(ص) باشد و شَهِیل، نماینده قریش با اصرار زیاد آن را حذف کرد و حتی با نوشتن «بِسْمِ الله الرَّخْفَن الرَّحِیم» نیز موافقت نکرد.

او اصرار داشت به جای آن کلمه یا جمله، «بِسْمِکَ اللَّهُمَّ» نوشته شود که با سنت اهل مکه سازگار بود. واضح است که تحمل هر یک از این امور به تنهایی ناگوار بود، چه رسد به مجموع آنها. به همین دلیل آتانی که از ضعف ایمان برخوردار بودند دچار تزلزل و تردید شدند. «بد سخنی را بر زبان جاری نمودی. بلکه این سوره خطاب به رسول خدا تصریح کرد: [إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُبِینًا] به این معنی که «ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم!» جالب است بدانیم که «حتی وقتی سوره فتح نازل شد، بعضی با تعجب پرسیدند: چه فتحی؟! اما همه آیات این سوره پس از صلح خذیبیه نازل و نام آن نیز «فتح» نهاده شد! تا پیامویم که تحلیل های مقطعی و احساسی نباید مدرک مصلحت های دائمی و عقلانی شود. آرمان گرایی باید با واقع بینی همراه شود تا سودمند شود؛ وگرنه موجب ناامیدی و در نهایت تغییر مسیر می شود.

در تفسیر «جوامع الجامع» آمده است که مراد از آن «فتح، «خذیبیه» است و روایت شده است که چون رسول خدا(ص) از حدیبیه بازگشت، مردی از اصحاب گفت: «مَا هَذَا الْفَتْحِ، لَقَدْ صُدِّدْنَا عَنْ آلِیْنِی وَ مَعْدَ هَذِیْنَا؟» به این معنی که «این چه فتحی بود که ما را از خانه هایمان و از قربانی کردن نیز بازداشت؟!» پیامبر(ص) فرمود: «بد سخنی را بر زبان جاری نمودی. بلکه این بالاترین فتح ما بود: مشرکان راضی شدند که شما با آسایش و امنیت از شهرشان بازگردید و از شما در مورد اسلام می پرسیدند و میل به امان دادن به شما پیدا کردند و از شما آموری را مشاهده کردند که برایشان قابل تحمل نبود.» از «زهری» نقل شده است که «فتحی عظیم تر از صلح خذیبیه واقع نشد، زیرا مشرکان با مسلمانان در کنار یکدیگر قرار گرفته و سخنان آنان را می شنیدند و اسلام در دل های آنان قرار گرفت و در سه سال تعداد کثیری از ایشان مسلمان شده و به جمعیت مسلمین افزوده شد.»